

# آرایش کتاب

## جلدسازی و جلد آرائی

سعید معتمد

یکی از هنرهای مشهور چه در عالم اسلام و چه دنیای غرب، تزئین کتاب است که آن را در دو بخش مطالعه می‌نمائیم. بخش اول هنر و فنّ جلد و بخش دوم صنعت بسیار ظریف مینیا تورکاری و جدول‌بندی و سرلوحه‌سازی در داخل کتاب. اما آنچه در این مقاله مورد توجه قرار گرفته هنر "جلد" است، و تزئین داخلی کتاب موضوع این مقاله نیست.

لغت جلد یا به فارسی پوست مفهومی بسیار رسا را می‌رساند. یک کتاب مجموعه‌ای است از تراوش‌های قوای فکری و معنوی که مانند رشته مرواریدی به هم پیوسته و ترتیب لطیفی یافته است. هدف آن است که این مجموعه محفوظ و مصون از صدمات خارجی، تحویل مشتاقان و طالبان شده و به صورت میراث مرغوب هدیه نسل‌های بعد گردد. وظیفه این جلد یا پوست در رتبه اولی حفظ این ودیعه معنوی است تا از حوادث معمول روزگار مثلاً آتش، رطوبت و گرد و خاک، موریانه‌زدگی، پوسیدگی، ترک خوردن، ورم کردن و موج برداشتن و انواع دیگر صدمات که همیشه در معرض آنها قرار دارد محفوظ بماند. شباهت جلد کتاب با لباس بشر بسیار زیاد است. به مانند لباس، جلد کتاب هم آن را حفظ می‌کند و هم به هیكل آن زیبایی و وقار مخصوص می‌بخشد. اولین برخورد ما چه با کتاب و چه با انسان، جلد کتاب و جامه انسان است. سبب نامیدن "جلد" به "پوست" آن است که اکثراً جلد از پوست حیوان ساخته می‌شده است.

تفاوت‌های بین جلد در جهان اسلام و جلد در دنیای غرب نشان می‌دهد که چرا لغات مربوط بدان دارای تفاوت عمده هستند. جلد معمولاً در فرهنگ‌های اسلامی بدین ترتیب تهیه می‌شود: ابتدا کاغذهای باطله کتب کم‌ارزش‌تر را به کمک ماده چسبنده به طوری روی هم می‌چسبانند که ورق زیری از چپ به راست و ورق روی آن از بالا به پائین جهت می‌یافته و این امر به صورت لایه‌های متناوب پیچیدن یا موج برداشتن جلد را مانع می‌شده و جلد کتاب همیشه در یک سطح باقی می‌مانده و پس از ختم این مرحله، یا به کمک چرم نازک (معمولاً پوست بز) دباغی شده آن را می‌پوشانند و همین شیوه را برای داخل کتاب به کار می‌بردند. سپس دو طرف جلد را باز به کمک چرم نسبتاً محکم‌تر به هم مربوط می‌نمودند که حکم لولا برای چرخش دو طرف جلد پیدا می‌کند. سپس در قسمت جلوی کتاب به مثل پشت کتاب نواری چسبانده و بالاخره قسمت دوزنقه مانند (لبه) را بدان می‌افزودند. به این ترتیب کتاب در چهار قسمت اصلی کاملاً محفوظ می‌ماند و فقط قسمت بالا و پائین کتاب هنوز آزاد است که چون سطح کوچکی است احتمال صدمه دیدن آن کم و محدود می‌باشد.

این اختراع عالم اسلام و استفاده از چرم در جلدسازی برای فرهنگ غرب نوظهور بود و تقلید از آن در قرون وسطی شروع شد و بالاخره به بلوغ و کمال خود رسید. امری که غریبان به خصوص در مورد کتاب مقدس تورات و انجیل مجری می‌داشتند و در دنیای اسلام نشناخته باقی ماند تزئین جلد بود با صورت‌های حضرت مسیح و حضرت مریم و حواریون شریف و قدسین بنام که در ابتدا روی پلاک‌های عاج تصاویر آنها می‌آمد و یا از فلزات قیمتی چون طلا و نقره مجسمه‌های لطیف آنها را تهیه کرده و به کمک جواهرات جلوه مخصوصی می‌یافتند. و یا به قوت و رنگ پر قدرت میناکاری بر نفاست آنها می‌افزودند. برای جلوگیری از صدمات خارج این تصاویر آنها را اکثراً در عمق جلد کتاب جا می‌دادند (تصویر شماره ۱). هنوز هر کلیسای عظیم صاحب نمونه‌های متعدّد از این کتب بسیار نفیس است که در مواقع مخصوص ارائه داده می‌شوند.

اما اینکه جلد چه موقع اختراع شده و کی معمول گشته و کجا تکامل دیده تا حدودی تاریخ روشنی دارد. قدیمی‌ترین اثر جلد شاید مربوط به یکی از کهنه‌ترین تمدن‌های عالم باشد. در حفاری‌های مصر مربوط به دوران کلتوپاترا، معاصر با دوران قیصره روم، لوحه‌هایی پیدا شده که دارای قاب چوبی هستند و توسط حلقه‌های فلزی به هم پیوسته‌اند. البته روی این لوحه‌ها موم پوشانده شده که به کمک قلم تحریر مفرغ یا نقره، آثار خط‌نویسی بر روی آنها ایجاد گردیده بود، و این خراش‌ها به منزله یادداشت‌ها بوده که بعداً بر روی لوحه‌های پایروس یا چرم دباغی نشده منتقل می‌گشته‌اند. نمونه آن در موزه برلین موجود است که در تصویر شماره ۲ آمده است. این امر جانشین طومارها شد. به جای آنکه برای خواندن هر طوماری مقداری وقت صرف باز کردن و دوباره بستن آن کنند کتاب را در دست گرفته و ورق می‌زدند. یا اگر سنگین بود بر روی میز افقی یا مورب قرار داده و ورق به ورق مطالعه می‌کردند.

کتاب به مفهوم امروزی و معمول این زمان به ندرت از ماده پایروس ساخته می‌شده بلکه قبل از

استفاده از کاغذ، چرم (پوست نازک) حیوان که دباغی نشده بود مصرف می‌کردند که این امر یکی از بزرگ‌ترین اختراعات عالم شرق به شمار می‌آید. وگویا ابتدا در شهر Pergamon (پرگام در ترکیه امروزی) از آن استفاده می‌کرده‌اند، که در تمام زبان‌های غربی نام این شهر به عنوان محلی برای تولید این نوع پوست معروف و مورد قبول واقع گشته است، تا بالاخره هنر کاغذسازی از خاور دور به شرق نزدیک آمده و در تمام دنیای متمدن پخش شد و مورد استفاده قرار گرفت.

بین جلدسازی غربی و جلدسازی دنیای اسلامی تفاوت‌های مهمی موجود است. مثلاً پوست خوک که رنگ سفید تمیزی دارد فقط در غرب برای جلد کتب مقدسه و علمی به کار می‌رفته و در شرق محتملاً به علل مذهبی ناشناخته مانده است. در دنیای غرب برای جلوگیری از فشار داخلی یک کتاب ضخیم و حجیم، برای آن چفت و بست و گاهی قفل و کلید می‌ساختند که در شرق ابداً معمول نبوده است. اما در دنیای مسیحیت کتاب‌هایی شبیه مزامیر داود یا خلاصه انجیل را در کیسه چرمی به شکل کیف دستی پیچیده و به کلیسا می‌بردند. در دنیای اسلام معمول بوده که مثلاً قرآن کریم در یک جاقرآنی چرمی که در ظاهر شبیه جلد کتاب بوده یا جاقرآنی از پارچه بسیار گرانبها مثلاً زری (بقچه کوچک باز یا به هم دوخته) قرار می‌گرفته تا از صدمه خارج محفوظ بماند.

در مورد جلدسازی باید اعتراف کرد که چرم بهترین محصول طبیعی است که برای جلدسازی به کار می‌رود زیرا ماده حیوانی بسیار مقاوم، رنگ‌پذیر، قابل پرداخت، طرح‌پذیر و قابل ضرب است. می‌توان روی آن خراش و نقطه‌گذاری و خط‌کشی کرد و چون از موجود زنده است به سهولت تهیه می‌شود.

### سرگذشت جلد در دوران‌های مختلف

بهترین نمونه‌های جلد کتاب از دوران قدیم در کتابخانه‌های متروکه دوره قبطیان (Coptic) در مصر علیا پیدا شده و نشان می‌دهد که صنعت چرم را از مصر قدیم و اوائل مسیحیت و دوره بیزانس به میراث برده است و در قرون اولیه اسلام بهترین مصنوع چرم و به خصوص جلدسازی از آن جا آمده است. فقط طرح مورد نظر مسلمانان همگی به شکل کثیرالاضلاع‌های هندسی بوده که دارای تنوع عجیبی است و شباهت بسیار به طرح پنجره‌های چوبی داخل قصور یا تزئین مهندسی منبرها یا درهای مساجد یا طرح قالی‌ها یا باغچه‌بندی‌ها یا نقش گنبدها دارند. این جلد‌های چرمینه به صورتی که مذکور افتاد تهیه می‌شده و بالاخره به کمک ابزارهای فولادی آبدیده یا به صورت فشار دادن یا به صورت ضرب کردن دارای نقش مورد نظر می‌شده‌اند و پس از آن به کمک سُمبه‌های ظریف و طلای زرورقی نقاط یا خطوط طلائی روی آنها ایجاد می‌نمودند که دارای جلوه مخصوص و مرغوبی می‌گردیدند. این نقوش بسیار ماندگار بود و حتی پس از چندین قرن جلوه مخصوص به خود را حفظ کرده‌اند (تصویر شماره ۳). گاهی از رنگ‌های نباتی برای تزئینات استفاده می‌کردند مثلاً سفید یا قرمز یا آبی که روح مخصوص دارند.

اما در داخل کتاب یعنی پشت جلد در ابتدا طرحی اسلیمی خیلی خوش‌مایه به صورت تکراری

می‌آوردند که مثل کارهای باسمه‌کاری یا قلم‌کاری بر روی چرم نازک پدیدار می‌شده و علاوه بر حفظ کتاب، در موقع باز کردن آن زیبایی به خصوصی داشته‌اند. این قسمت را فرنگیان نام آینه داده‌اند (spiegel, mirror) و در دنیای اسلام فقط در یک طرف می‌آوردند و طرف مقابل کتاب شروع می‌شده یا در آخر ختم آن اعلان می‌شده، اما به تدریج که ثروت خانواده‌های مسلمان بیشتر شده و در نتیجه طالب جلد‌های مجلل‌تر می‌گردیدند، در خارج کتاب خط بسیار خوش را در حاشیه کنار جلد طلاکوب کردند و در داخل آن نقش بسیار لطیف ترنج و لچک آوردند و کم‌کم این قسمت را با هنر بسیار لطیف و ظریف و پیچیده ملبله‌کاری در چرم (openwork) به هم آمیختند، تا کار به جایی کشید که جلد‌های بسیار بزرگ تهیه کردند (مثلاً به قطع ۹۰×۶۰ سانتی متر در موزه برلین) که به واسطه شیوه مخصوص در کاغذچسبانی (به عنوان هسته مرکزی جلد) پس از گذشتن ۷۰۰-۸۰۰ سال هنوز این سطح بزرگ بدون تغییر شکل باقی مانده است. در دوره فاطمیان مصر در قاهره بزرگ‌ترین کارگاه‌های جلدسازی آن دوران به وجود آمد که اهمیت فوق‌العاده‌ای در بقای کتابخانه‌های اسلامی داشتند.

### هنر جلدسازی در ایران

اما در خطه ایران بزرگ در دوره حکومت جانشینان سلجوقیان، هنر چنگیز خان یعنی ایلخانان، این هنر ظریف ابتدا در دربار و سپس در بازار معمول گردید و مورد طلب واقع شد. کتب شعراء و نثرنویسان بزرگ به خط بسیار خوش رونویسی شده و به خصوص قرآن‌های فوق‌العاده حجیم در نهایت زیبایی و استحکام و وقار تحریر و تزئین گردیدند و هنر سرلوحه‌سازی که با ورود مینیاتورسازی از چین (از راه ابریشم) به خاور میانه و آسیای وسطی آمده بود با استعداد هنرمندان آن دوران همراه گردیده با خلق این آثار نفیس احتیاج به جلد‌های متناسب و مناسب احساس گردید. اهل فن و هنر به آزمایش‌هایی پرداختند. هنر سوخت روی چرم و هنر ضرب طلای خالص معمول گردید که بلافاصله از حرفه‌های مرغوب محسوب شد و از آن نمونه‌های فوق‌العاده عرضه گردید. هنر سوخت بدین ترتیب شروع شد که بر روی جلد چرمی ساده، پس از حاشیه‌بندی و تهیه نقطه مرکزی، به کمک مهره‌های کنده‌کاری شده که اغلب نقش اسلیمی داشتند و ابتدا مهرها را که اکثراً از فولاد بودند و نقشی منفی روی آنها نقر و حک شده بود بر روی شعله‌ای که معمولاً چراغ روغنی کوچک یا شمع بود قرار داده پس از جذب حرارت، در محل مورد نظر روی جلد چرمی قرار داده و به ضرب مشت (که به شکل گوشت‌کوب دوره ما بوده، به شکل قارچ پهن و دسته‌ای به اندازه دست که منتهی به گنبد کوچکی در آخر می‌شده) این قالب را می‌کوبیدند تا نقش آن بر روی چرم ضبط گردد و این عمل را ادامه می‌دادند تا تمام سطح جلد به نقش و طرح مورد نظر پر شود، که چون سطح برجسته در مقابل نور موزن قرار می‌گرفت زیبایی دلپذیری داشت. این نوع ضرب را چون بی‌رنگ بود "کور" می‌نامیدند تا اینکه استاد زیرکی خواست این جلوه جلد را بیشتر کند؛ ورق زر (طلائی) که به ضرب چکش فوق‌العاده نازک شده و حکم زرورق پیدا کرده) به کار برد. ابتدا در محل ضرب تمام

سطح را از چربی و گرد و خاک پاک نموده و به کمک سفیده تخم مرغ آماده قبول ورق زر می‌کرد. سپس زوروق را روی آن آورده و به ضرب مهر تزئینی می‌پرداخت؛ ثمره آن حیرت‌انگیز بود به مثل طلاکاری روی درب مساجد و قصور با جلای تمام طلا، این ترنج و لچک‌ها و اسلیمی‌ها آشکار و به خصوص وقتی که کتاب، جلد چرمی به رنگ تیره سبز یا قهوه‌ای یا مشکی براق داشت درخشندگی آن آشکار می‌شد و کتاب حکم صندوقه جواهر می‌یافت. این کار را توسعه دادند تا به حدی که تمام سطح جلد یکپارچه طلاکاری شد. این امر به خصوص در قرآن‌هایی که سلاطین به همدیگر هدیه می‌دادند معمول و مجری گردید. تصویر شماره ۴ نمونه‌ای از این تزئینات در دربار ترکیه و تصویر شماره ۵ نمونه دیگری از سطح تمام طلا است که آن هم از همان دوران است. اما تصویر شماره ۶ نمونه‌ای است از چرم سوخت قرن شانزدهم ایران و همین طور تصویر شماره ۷. در همان قرن امری که خیلی به توسعه جلدسازی در ایران کمک کرد استفاده از مهرهای تکی برای تزئین جلدها بود. پس از طرح روی جلد استاد از مهرهای موجود انتخاب می‌کرد و آنها را در محل خود جا داده شاگردان را در اجرای آن کمک و راهنمایی می‌نمود. البته این جلدها آن کمال و جمال جلدهائی که مورها فقط برای آنها ساخته شده بودند نداشت ولی بسیار معمول بود و بسیار ارزان‌تر از کار منحصر به فرد بود. این نوع جلدسازی به خصوص در مورد قرآن‌های بسیار نفیس که در سی جزو تهیه می‌شدند بسیار مقبول واقع گردید. با اضافه کردن آیات قرآنی و به خصوص این آیه شریفه «لا یمسه الا المطهرون» مردمان را متذکر می‌شدند که فقط پس از وضو و نظافت و تطهیر این کتاب مقدس را در دست گیرند و در نهایت صفای باطن به زیارت و تلاوت آن پردازند. این امر جدیدی بود. آنچه در خارج جلد در نهایت زیبایی و غنا بود با کار قسمت داخلی جلد که به واسطه محفوظ بودنش از تماس با محیط مزاحم و آلوده، حکم قطعه واحدی پیدا می‌کرد که ظرافت و زیبایی خارج با لطافت داخل همراه می‌شد و آن رشته مشبک‌کاری بود. بدین ترتیب که سطح را چون نقش باغچه پرگل، طراحی و تقسیم‌بندی نموده و ابتدا در گودی‌ها به کمک ابریشم لطیف بافته به رنگ سبز یا سرمه، زیرسازی می‌کردند و روی آن سطح، مشبک از چرم بسیار لطیف و نازک یا کاغذ فوق‌العاده فشرده، طرح پر نقش و نگاری که اکثراً نقش اسلیمی و گل‌ختائی (ختا شهری است در چین) داشت می‌چسباندند. این پنجره لطیف به حدی ظریف بود که اگر قسمتی از آن صدمه می‌خورد و این شبکه شکسته می‌شد تعمیر آن هنوز محال مانده. هنوز هم اهل تحقیق به رموز این کار پی نبرده‌اند، که آیا این شبکه لطیف با قیچی بریده می‌شده یا به ضرب قلم فولادی و چکش بر روی چرم یا کاغذ ساخته می‌شده. گاهی با این هنر ضرب طلائی همراه می‌شده و حکم دریچه قصری را داشت که از زوایای خود تصویری از زیبایی و صفای گلستان فوق‌العاده زیبایی را آشکار می‌سازد. در این دوره به ندرت نقش حیوان و انسان پیدا شده و اکثراً نقش گل و درختان و اسلیمی و شبیه آنها است.

هنر بزرگ دیگری که در دوره صفویان، افشاریان و قاجاریان به وجود آمد و سراسر دنیای اسلام را مسحور زیبایی خود کرد هنر استفاده از صمغ مخصوص بود که از بوته‌های (درختچه) بیابانی ایران به دست می‌آمد. جلدهای تهیه شده با این صمغ مشهور به جلدهای روغنی یا لاک‌کی است. جلد مورد

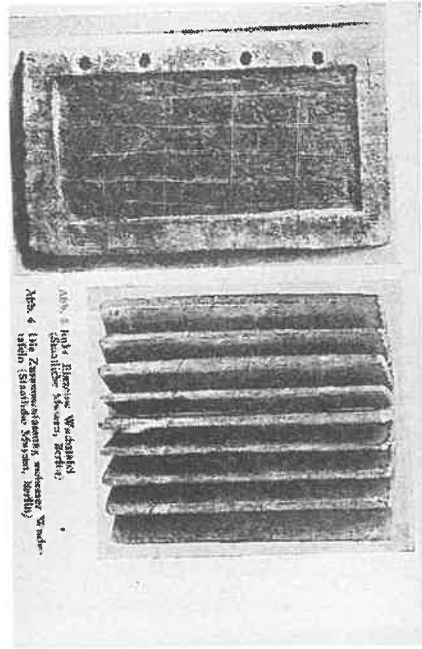
نظر که شبیه جلد‌های چرمی است و از رویه‌های کاغذ باطله کتب قدیم که در جهات مختلف روی هم چسبیده، با یک قشر دوغاب گچ پوشانیده شده و سپس پرداخت شده و قابل نقاشی می‌گردد شبیه مینیاتور، استاد طرح عمومی سیاه‌قلمی بر روی آن کشیده و بقیه کار را شاگردان به عهده گرفته که تحت نظر استاد به تکمیل رنگ‌ها و سایه‌روشن‌ها و صورت و البسه و درخت و منظره و یا طرح‌های تزئینی می‌پرداختند. پس از ختم تمام ظرائف، چندین بار با این محلول صمغ (لاک) آن را می‌پوشاندند تا این نقش‌های دلپذیر از آفات محفوظ بمانند و گاهی به طور استثنائی بین مغز و هسته مرکزی جلد، روکش چرمی نازکی می‌آوردند که نقش مینیاتور و لاک روی آن است. این طریقه در دربار عثمانی معمول بود ولی ثمره کار هرگز به زیبایی کار هنرمندان ایران نمی‌شد. آخرین قشرهای لاک بایستی در محیطی به کلی خالی از گرد و غبار بماند تا به تدریج خشک شوند، تا تنش‌های حاصله از خشک شدن لاک آن را نترکاند و سطح یک دست و صیقلی به وجود آورد و ذره‌ای غبار روی آن مشهود نگردد.

نقش این جلد‌ها در ابتدا به طور سفینه‌ای بود (مثلاً تصویر ۸ و ۹) با نقش درباری یا منظره باغ و قصر مربوط به دوره شاه طهماسب صفوی، قرن ۱۶ میلادی ایران، و نقش شماره ۱۰ به همان طرح سفینه با گل‌های یک گلستان آمده که مربوط به دوره ابتدای عثمانیان و مایه شادی و سرور دل دیده است. و چون در این امر صاحب تجربه شدند به شکل کتاب تغییر داده و به طور ایستاده به تصویرهای درباری، تفریح در صحرا، مناظر شکار، مکالمه شعراء و تصویرگرایی افسانه‌ها پرداختند. نمونه ۱۱ نمونه‌ای از آن و مربوط به دوره شاه عباس کبیر در قرن ۱۷ میلادی است. در این موقع ترکان به تقلید ایرانیان طرح جلد سوخت را با نقش زیر لاک همراه کردند که روی متن مشگی با خط طلائی آمده است. این نوع جلد زیبایی و ظرافت خاصی پیدا کرد. نمونه ۱۲ نمونه‌ای از آن است. اما طرح اسلیمی درشت و فربه و پر مایه تمام رنگی روی متن مشگی در هنر ترکیه بسیار دیده شده (نمونه ۱۳، قرن هفدهم ترکیه).

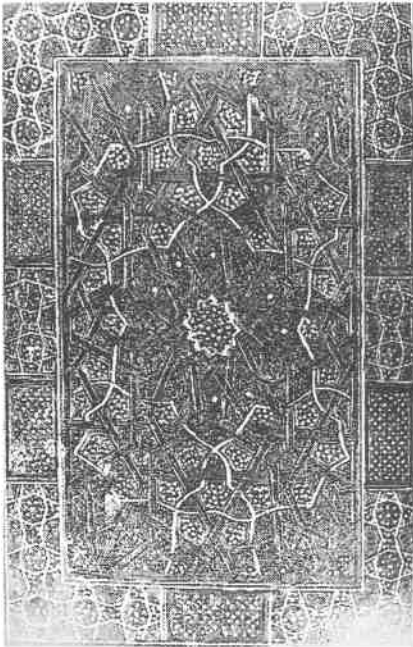
ایرانیان در هنر خود بسیار پابند شعائر به خصوص بودند ولی ترکان چون همسایگان فراوان در شرق و غرب داشتند به خلاف ایرانیان به یک نوع تجمل افراطی مخصوص متمایل شدند. حتی در هنر جلدسازی از مصالح غیر معمول استفاده کردند که بی سابقه بود. به طور مثال چند نمونه آورده می‌شود: جلد قرآن که از صفحات یشم متمایل به سفید پوشیده شده و بر روی آن نقوش مرصع از یاقوت و زمرد و الماس آورده که به کمک مفتول طلا به هم پیوسته و جلوه بی نظیری به وجود آمده است. نمونه ۱۴، قرن هفدهم، نمونه دیگری است که جلد کتاب با روپوش مخمل ابریشمی بسیار لطیفی پوشانده شده که با نقش‌های شبیه ترنج و لچک سکه‌دوزی طلا شده و به کمک ابرهای چینی و گل‌های پرجلوه، صحنه خیالی بهشت‌مانندی به بار آورده است (نمونه ۱۵، قرن هفدهم). اما جلد منحصر به فردی در دربار ترکیه ساخته و پرداخته شده که طرح همان ترنج و لچک را دارد ولی از جلد لاک پشت بریده و پرورده (یعنی بار آورده) و به هم چسبانیده به وجود آمده و گویا جلد کتاب اشعار بوده است. این جلد مرمزمانی و زیبایی مخصوص دارد (نمونه ۱۶، قرن هفدهم ترکیه).



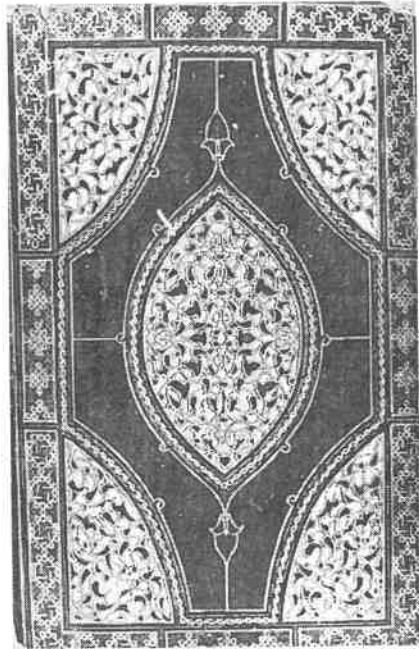
1



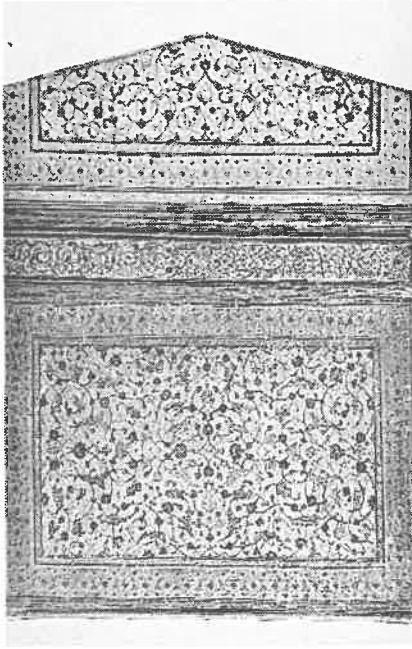
2



3



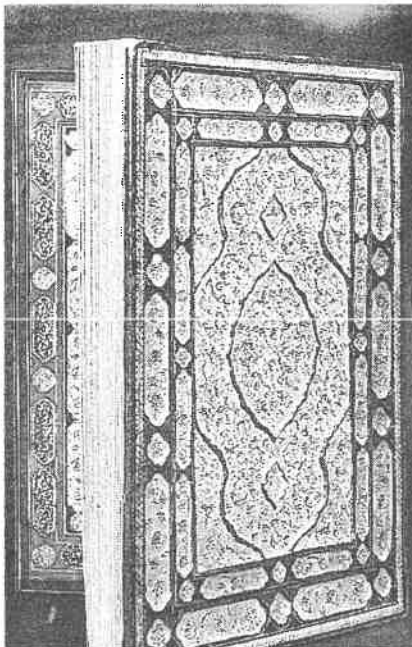
4



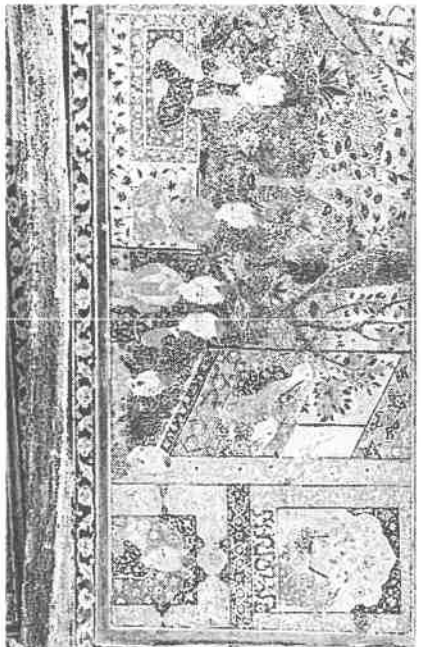
5



6

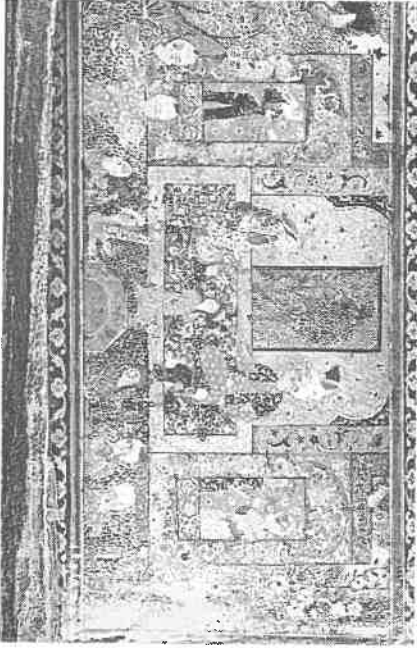


7

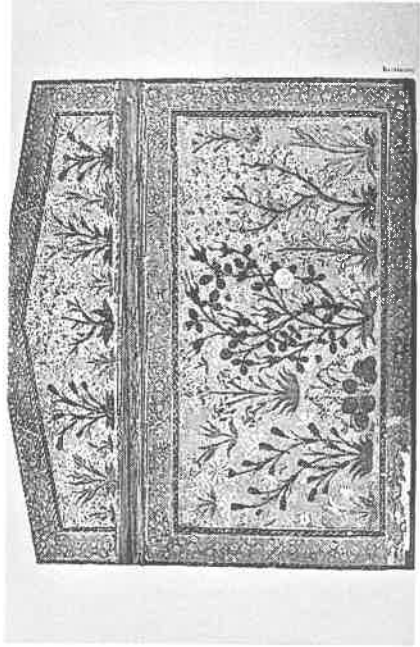


8





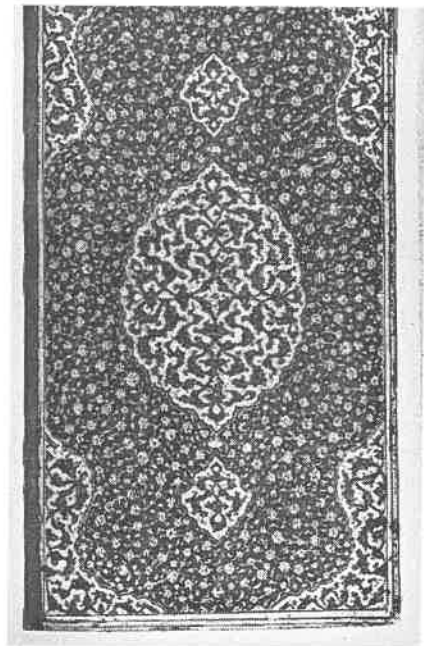
9



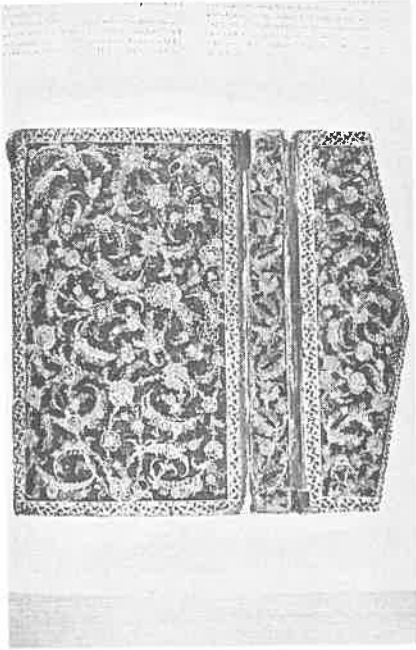
10



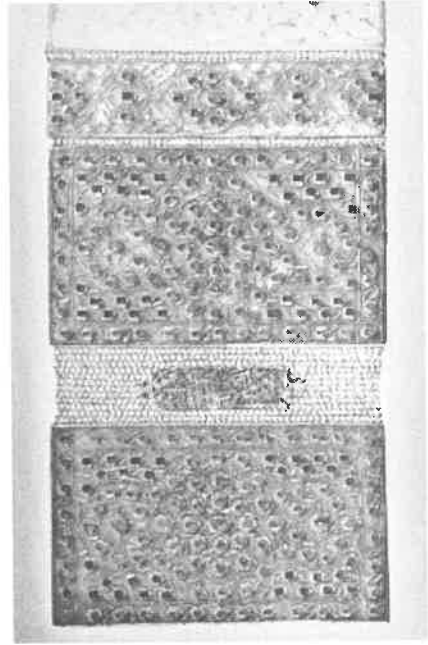
11



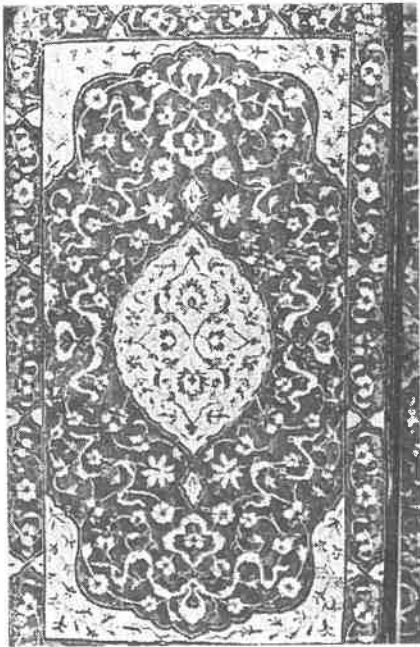
12



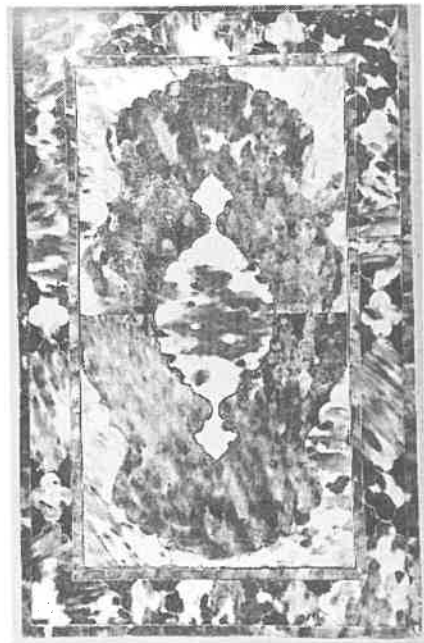
13



14



15



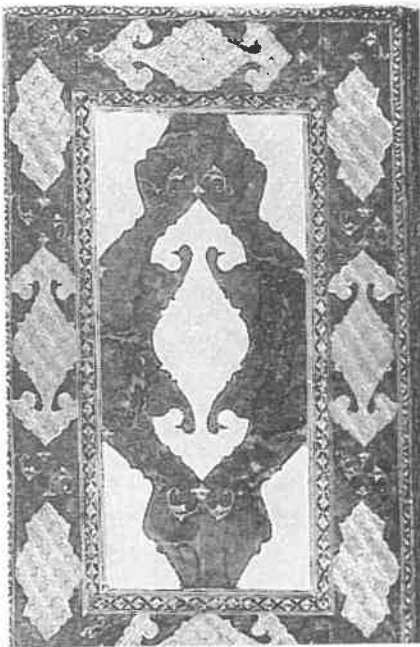
16



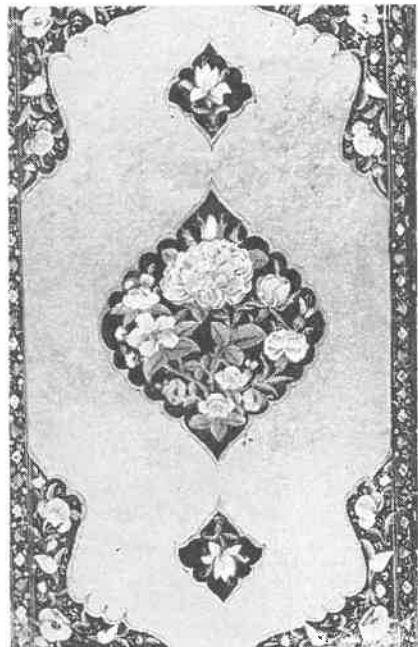
17



18



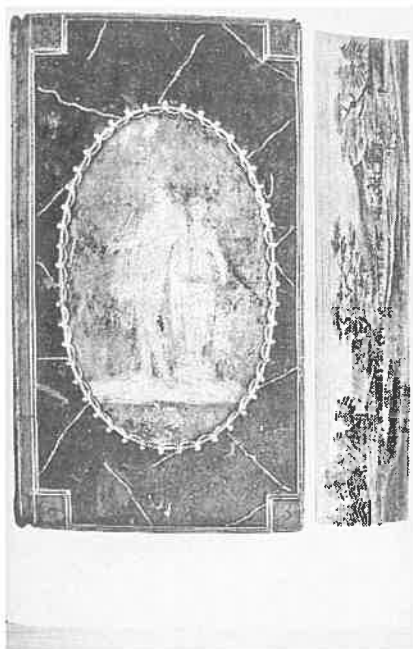
19



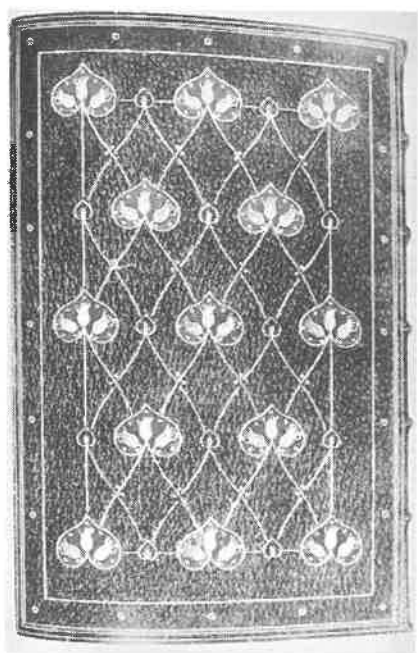
20



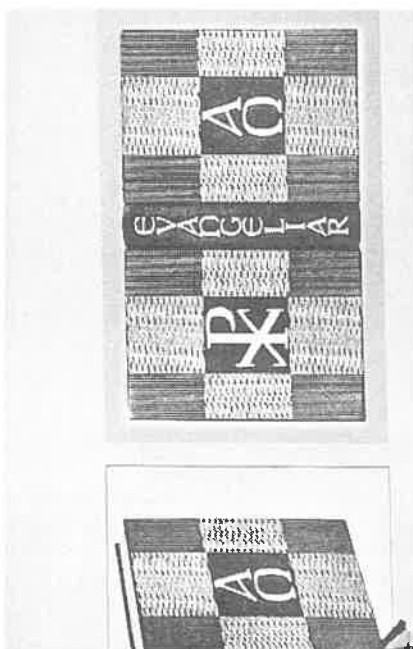
21



22



23



24

در این زمان در دربار مغولان هندوستان به خصوص اکبر شاه و جهانگیر مقام هنرمندان بسیار بالا بود و حتی از ممالک دیگر مثل ایران هنرمندان کم‌نظیری را می‌پذیرفتند که در ترویج هنر و ادب دارای اهمیت بی‌نظیری شدند. جلد‌های دوره مغول هندوستان خیلی نادر هستند و ریشه هنری آنها الهام گرفته از ایران، ولی تا حدودی هم میراث هندوستان است. این هنر هنوز در هندوستان معمول است و کارهای لاک از جلد‌های کشمیر و راجستان قرون ۱۹ و ۲۰ پیدا می‌شوند که به واسطه نفوذ تجارت غرب از اصالت و نفاست آنها بسیار کاسته شده و به قول معروف بازاری شده‌اند.

در دوره بسیار کوتاهی در دکن هند کار لاک چه روی چوب و چه روی چرم جلد کتب ترقی عجیبی کرد ولی ایرانیان در هر حال آرام نگرفتند؛ مثلاً احمد تبریزی استاد خوشنویسی دوره زندیه، دست به کار تهیه جلد شد. جلد‌های لاک این استاد حکایت از نبوغ وی می‌کند. تقسیم و طرح را به میراث بُرد ولی از اسلیمی گذشت و با خط نسخ به تزئین پرداخت. روی متن مشگی چون شبق با نقش و خط طلائی به تقسیم منطقه و حاشیه پرداخت و داخل مناطق را با خط پخته و رسا و بالغ خود به رنگ سفید پر کرد و زینت بی‌نظیر بخشید. یک جلد کتاب کار این استاد از دور نقش است و از نزدیک سراسر خوشنویسی و اکثراً کلمات الهی است. شاگردانش تا دوره فتح علی شاه به این روش ادامه دادند و با اضافه کردن متن‌های خالی با گل و گیاه، چه طلائی چه تمام رنگی، نوع تازه‌ای از زینت جلد کتاب به بار آوردند، ولی حیف که زیبایی و سادگی و پختگی کار استاد اصلی در سایه قرار گرفت (تصویر نمرة ۱۷، قرن هیجدهم ایران).

در این میان یعنی اوائل قرن هیجدهم به خصوص هنرمندان دربار فتح علی شاه در اواخر قرن هیجدهم با آمدن سفرای ممالک غربی تغییر مسیر دادند و به پیش گرفتن شیوه‌های معمول اروپائی از جمله باروک پرداختند که اکثراً را نفهمیده تقلید می‌کردند، ولی بعضی روح ایرانی را در خود نگه داشته و در عالم خود رقیب کارهای فرنگی شدند. یکی از استادان بنام این زمان یا مدت کوتاهی قبل از آن محمد علی اشرف است که در نقش‌های گل و بلبل خود از روح غنی ایرانی الهام می‌گیرد. تصویر نمرة ۱۸ نمونه‌ای از کارهای او است (دوره زندیه ایران).

حتی هنرمند دیگری به تقلید نقش مرمر پرداخت و صحنه پشت جلد را با این ترتیب جلوه‌ای تازه بخشید. نام او ابوطالب و همدوره ناصرالدین شاه بود و تا آخرین دوره این شاه شاگردانش به این روش ادامه دادند. نمونه آن تصویر نمرة ۱۹ است که جلد کتاب مرتبه محتشم است و کاری است از مکتب ابوطالب که شباهت بسیار به مکتب کاری چوب و مرمر دارد. تصویر نمرة ۲۰ یک جلد بسیار ساده اما زیبا مربوط به دوره زندیه است که پلی است بین هنر درباری مغولان هندوستان و شیراز زندیان و چون تمام متن طلا است به نظر می‌آید که تقلیدی از مینا کاری روی برگ زر خالص است. این هنر در جواهرسازی و تهیه تخت‌های سلطنتی و دیواره‌های صندوقچه جواهرات معمول بوده، و در این مورد به کمک نقش زیر لاک تقلید شده و حکایت از ثروت صاحب آن می‌نماید. کاشی‌های مسجد وکیل شیراز با این طرح قرابت نزدیک دارند.

مواردی بسیار نادر در هنر جلدسازی همیشه پیش می‌آمده که عمر آنها کوتاه بوده و به علت

عملی نبودن رواج نمی‌یافته است. مثلاً تهیهٔ جلد کتاب از چوب لطیف باکنده کاری گل و بلبل، نقش سلاطین و امثال آنها، کار آباء ایران، و جلدهای چرمی بدون قسمت مغز محکم اصلی به صورت نرم با نقش اسلیمی طلائی برای کتبی که در جیب به همراه داشته‌اند مشهور به "جُنک". این نوع جلد چرمی بسیار قابل انعطاف بود و کم‌تر صدمه می‌خورد و گاهی هم به ضرب کور نقش خطّ زیبایی روی آنها آمده است. کتاب‌هایی هم دیده شده که روی جلد آن پارچهٔ مخصوص شال کشمیری آمده یا مخمل لطیف کاشان که بسیار عملی و به قول اهل فنّ خوش‌دست و مرغوب اهل نظر بوده است. گاهی هم کاغذهای مرمرنا مشهور به "آبری" محصول ترکیه و ایران را برای پشت جلد به کار می‌بردند که لطف عجیبی دارد ولی رقیب چرم طبیعی نیست.

مسأله‌ای که باید حتماً متذکر شد این است که ترقی و تکامل جلدسازی و جلدآرایی در ممالک خاور دور، از جمله چین و ژاپن و کره، به کلی در مسیر دیگری بوده و انتقال کتاب از شکل طومار به شکل صحیفه و کتاب در این قرون اخیر صورت گرفته است. مسألهٔ بسیار مهمّ شروع چاپ در این قسمت عالم است که هم خیلی زودتر کاغذ داشته‌اند و هم به چاپ توسط قالب چوبی پرداخته‌اند. صحافی آنها نوع دیگر و حفظ کتاب به نحو مخصوصی منظور شده، ولی بحث آن خارج از حوصلهٔ این مختصر است. در شرق نزدیک با وجود این منبع غنی تاریخی و استعدادهای شایگان هنری هنر جلدسازی تقریباً متوقف شده و کلیهٔ امور تسلیم ماشین و صرفه‌جویی در قیمت گشته و حتی سطح جلدسازی و صحافی خیلی پائین‌تر از دنیای غرب است. کتاب‌ها در شرق خیلی ضعیف جلدبندی شده و نوع کاغذ بسیار پست است، و در هنر جلدسازی با وجود دخالت مستقیم ماشین، روش نامرغوب بازار شرقی دنبال شده و کم‌تر کتاب ماندگار به بار می‌آورند.

### جلدسازی و آرایش کتاب در جامعهٔ بهائی فارسی‌زبان در غرب\*

اگرچه جامعهٔ بهائی ایرانی چه در پیش و چه در حال در وطن مقدّس خود از هر نوع توسعه و تشویقی محروم و بی‌نصیب مانده، ولی در ممالک دیگر شروع به رشد نموده و این نقصان را جبران کرد. یکی از مؤسّسات، لجنهٔ نشر آثار امری در آلمان است که چند نمونه از کارهای آن معرفی می‌گردد:

لوح احمد به لسان نزولی و ترجمه‌های انگلیسی و آلمانی با خطّ خوش جناب جعفری و جلد لاک گل قجری بر روی متن طلای مرغشی. دو لوح احتراق و ملاح القدس به لسان نزولی و ترجمه‌های انگلیسی و آلمانی با خطّ نسخ جناب برهان زهرائی و جلد لاک پرگل روی متن طلائی (زندیه). کلمات مکتوبه به لسان اصلی و ترجمه‌ها با خطّ زیبای جناب موقن و جلد لاک گل و بلبل کار محمد علی اشرف (زندیه). لوح مبارک این ذنب به لسان نزولی به خطّ خوش جناب موقن و جلد شبه چرم، طرح اسلیمی (دورهٔ اوّل صفویه). دو لوح قد احتراق المخلصون و ملاح القدس به لسان اصلی و ترجمه‌ها، به خطّ خوش جناب موقن و طرح روی جلد مأخوذ از زری دورهٔ صفویه. مجموعهٔ نار و نور (مقام شهداء) به خطّ استاد عرب (قسمت نسخ) و جناب موقن خطّ نستعلیق، با جلد

درخت حیات (کشمیری). کتاب عهدی به لسان نزولی، به خط نستعلیق، تزئین روی جلد و متن مأخوذ از سیاه‌قلم مکتب صورتگر شیراز. کلمات مکنونه به لسان اصلی و ترجمه‌ها، به خط مشکین‌قلم و نقش روی جلد و داخل، مکتب شیراز، اوائل دوره قاجار. مثنوی مبارک به خط جناب مشکین‌قلم روی کاغذ مرمری با جلد لاک سلطنتی چه داخل و چه خارج، شاهکار خط و جلد لاک‌کی. منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله به خط خوش جناب موقن و جلد با نقش طبق گل (مأخوذ از بشقاب چینی ترکیه، قرن ۱۷). کتاب مستطاب اقدس به لسان نزولی و توضیحات به زبان فارسی، به خط نسخ جناب برهان زهرائی و روی جلد فقط خط و نقش چفت. کتابچه مناجات‌های حضرت عبدالبهاء به خط نستعلیق جناب امان‌الله موقن و جلد مخصوص و ممتاز شبیه کتاب انجیل. این روش فوق‌الذکر بسیار مورد استقبال و مورد قبول طبع احباء و دوستان کتاب واقع شد و به لغت "کسوت جمیل" یعنی لباس آراسته برای ارائه کلمات الهیه مذکور آمده و انشاء‌الله به ادامه و تکمیل آن توفیق حاصل خواهد شد. یکی از آثار ممتاز این دوره اثر بسیار نفیس چهار وادی و هفت وادی است که نه تنها زیبایی خوشنویسی با ترجمه‌های متعدده عالی همراه شده بلکه نفاست و پرهیزی حاشیه‌ها و شمشه‌ها و کتیبه‌ها جلوه عجبی بدن داده که انشاء‌الله تعالی در آتیه شبیه آن تهیه و سبب روشنی چشم طالبان می‌گردد.

در این جا مناسب است از مجموعه مشکین‌قلم هنرمند خط‌نگار قرن نوزدهم نیز یاد نمود. این کتاب به مناسبت یکصدمین سال صعود جمال اقدس ابهی (سال مقدس) توسط انجمن ادب و هنر (سوئیس) به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر شد و شامل شاهکارهای هنرمند خوشنویس مشهور بهائی مشکین‌قلم است (قطعات به طرز چهار رنگ و سیاه و سفید). این مجموعه به طرح سفینه‌ای تهیه شده و جلد آن با نقوش گل و بلبل (دوره زندیه) تزئین شده است. (این نقوش در مسجد وکیل شیراز وجود دارد). متن کتاب روی کاغذ مرمری براق (رنگ کرم) به چاپ رسیده است. \*\*

\* \* \*

امر بسیار مهمی که نباید فراموش گردد موضوع تجلید است در ممالک غرب. کلیساها و صومعه‌ها در گذشته مرکز و منبع تحریر و تزئین آثار دینانی بودند. جلدها در این دوره اهمیت مخصوص داشتند چه حامل و حافظ کتاب الهی بودند. در مجاورت کلیسا، سلاطین پرتدبیر کتاب دعا‌های شخصی بسیار نفیس مالک بودند که امروز جمیع در تصرف موزه‌ها و کتابخانه‌های عظیم عالم هستند و موجب سرفرازی و افتخار آنها می‌باشند. در قرون ۱۷ و ۱۸ در کشورهای فرانسه و ایتالیا، کتابخانه‌های شخصی فوق‌العاده گرانبها توسط ثروتمندان متنفذ به وجود آمد و به همراه آن هنر جلدسازی حیات تازه و جلوه بی‌اندازه یافت. به شدت از کتب اسلامی تقلید کردند و هنرهای جدیدی به وجود آمد، ولی باگران شدن زندگانی و دستمزدها این انحصار کتب به ثروتمندان خاتمه یافت و کتب نفیسه در اختیار همه قرار گرفت. تصویر نمره ۲۱ نمونه جلد کتابی است از برگزیده ادبیات انگلستان که مأخوذ از جلد ایرانی قرن هفدهم صفوی است ولی به مذاق فرنگی، به خصوص ثروتمندان انگلیسی، سراسر زرکوب روی چرم مصنوعی. تصویر ۲۲ جلد کتابی است فرانسوی که در

قرن ۱۹ تزئین شده. از غرائب آنکه روی برش کتاب نقاشی کرده‌اند و منظره‌ای را به وجود آورده‌اند. این هنر در قرون ۱۷ و ۱۸ در ترکیه معمول و به جای آن نقش مرمری و یا اسلیمی طلائی بوده. تصویر ۲۳ نقش جلد کتاب فرانسوی است در اوایل قرن بیستم که تزئین آن به کمک نقش‌های بریده و در کنار هم به هم چسبانیده و در دوران هنر مشهور (روش هنری نو) معمول اروپا بوده است. تصویر ۲۴ نقش روی کتاب مقدس است به شکل صلیب و حروف الف و یاء و اشاره به نام حضرت مسیح که بعد از جنگ دوّم زینت‌بخش جلد انجیل‌های مخصوص گشته که در نوع کاغذ و چاپ از نفیس‌ترین کتب محسوبند و بسیار نازک و سبک و محکم و غیرشفاف و مقاوم در مقابل صدمات مختلف می‌باشند.

## پایان سخن

در خاتمه به عرض می‌رساند که هر سال در ممالک مترقی جهان نمایشگاه‌های عظیم کتاب تأسیس و تحت نظر هیأت قضاة بسیار وارد کتبی را انتخاب که یا از لحاظ زینت بهتر از دیگران یا از لحاظ فکر جدید بی‌سابقه‌اند که در نمایشگاه مخصوص معرفی می‌گردند. لوح احمد چاپ آلمان شاهد این انتخاب بوده و در جزء زیباترین کتاب‌ها آمده. در کتابخانه مشهور بریتانیا و کتابخانه ملی فرانسه و موزه گوتنبرگ در ماینتس (آلمان) کتب امری به کزات و مرآت به نمایش گذاشته شده و مورد تمجید و تحسین عموم واقع گردیده است. این کتابخانه‌های مهم سالی یک بار زیباترین کتب جدید را معرفی می‌کنند.

ترقی صنعت جلدسازی به طوری است که امکان هر کاری حاصل و فقط سلیقه هنری و صرفه تجاری مبنای هر اقدامی است. شاهراه کتاب‌سازی در عالم فنّ به وجود آمده و هیچ‌گونه مرز و حدی نمی‌شناسد و محصول آن همه جا را گرفته است؛ فقط هدایت و ارشاد لازم دارد.

\* کلبه کتاب‌هایی که در این سطور ذکر آنها رفته است همه در اثر مساعی چندین ساله و ذوق و ابتکار و علاقه کم‌نظیر جناب مهندس معتمد (نویسنده این مقاله) در آلمان به زیور تجلید و تزئین و چاپ آراسته شده‌اند که ایشان از سر تواضع نامی از خود نبرده‌اند. (خوشه‌ها).

\*\* شرح مراحل تهیه و تدوین و چاپ و نشر این مجموعه در خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر (۵)، ص ۲۴۳ به تفصیل آمده است. سه سال بعد رساله بازخوانی و بازنویسی قطعات مشکین قلم از طرف انجمن ادب و هنر منتشر شد.

## مراجع

۱- هنر اسلامی (از سده سوم تا چهاردهم)، مجموعه رضا عباسی، طهران، ۱۹۷۸.

۲- تاریخ صنایع ایران، ترجمه فریور، ۱۹۳۸.

۳- آلبوم شاهنامه فردوسی، طهران، ۱۳۵۴.

۴- شاهکارهای هنر ایران، تألیف پوپ، بدون تاریخ.

۵- مجله هنر و مردم، از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.



- 1- *The Arts of Islam*, London, 1976.
- 2- *L'Islam dans les Collection National Paris*, 1977.
- 3- *Islamisk Kunst*, Davids Samling, Kopenhagen, 1975.
- 4- *Islamische Kleinkunst*, E. Kühnel, Braunschweig, 1963.
- 5- *Eastern Lacquer*, Motamed Collection, London, 1986.
- 6- *Islamische Kunst*, Berliner Museum, 1981.
- 7- Kunstmuseum Düsseldorf, *Katalog*, 1985.
- 8- *Persische Kunst*, Museum München, 1963.
- 9- *Schätze aus dem Topkapi Serial*, 1988.
- 10- *Islamic Art in the Kuwait National Museum*, 1982.
- 11- *Islamische Kunst*, Papadopoulo, Herder Verlag, 1977.
- 12- *Islamic Art and Design 1500-1700*, British Museum, 1984.
- 13- *Islamic Art*, Metropolitan Museum Bulletin.
- 14- *Islamic Art*, Exhibition Cairo, Semiramis Hotel, 1969.
- 15- *Treasures of Islam*, Genève Musée d'art, 1985.
- 16- *Sammlung Sarre*, Berlin, 1914.
- 17- *Tulips, Arabesques & Turbans*, Ottoman Art, 1982.
- 18- *Oriental Islamic Art*, Collection of the Gulbenkian Foundation, Lisboa, 1963.
- 19- *A Survey of Persian Art*, Pope, 1938-39, 1964-65.
- 20- *Manual d'Art Musulman*, Gaston Migeon, 1907.



جمعی از احیای مقدم فروین جلوی ساختمان مشرق الازکار آن شهر  
تاسیس ۶۴ بدیع - تاریخ عکس ۷۱ بدیع